



## بازتاب فرهنگی هویت زنانه در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی و روسی

وجیهه رضوانی\*

استادیار گروه زبان روسی دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء،

تهران، ایران

Email: v.rezvani@alzahra.ac.ir



### چکیده

پژوهش حاضر، به بررسی بازتاب فرهنگی هویت زن و زنانگی در ضرب‌المثل‌های فارسی و روسی می‌پردازد. مثل‌ها به‌عنوان یکی از ذخایر فرهنگ معنوی، دیرینه‌ترین سبک خلاقیت شفاهی هر ملت است. بسیاری از مثل‌ها، ریشه در تاریخ داشته و حیات خود را پیش از خط و کتابت آغاز کرده‌اند. هدف از پژوهش پیش رو، گزینش نمونه‌های هر دوزبان و بازتاب کنش‌های فرهنگی، از منظر زبانشناسی جنسیتی و اجتماعی، در باره هویت زن و یا زنانگی به‌طور عام و واکاوی آن‌ها در میان مثل‌های فارسی و روسی است. روش پیش‌گرفته در این پژوهش، بررسی متون ادبی است که بی‌شک محل کاربرد چنین ساختارهای زبانی‌اند و دیگری فرهنگ‌های ضرب‌المثل است که به‌عنوان منابع بررسی و ریشه‌یابی واژگان و بسامد کاربرد آن‌ها در سالیان دور و نزدیک در زبان نوشتار و گفتار گویشوران دو زبان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در میان مثل‌های بررسی شده با موضوع هویت زنانه، تقریباً حدود ۲۲۸۷ مثل یافت شد. در نتیجه‌گیری با توجه به تفاوت اقلیم و فرهنگ جامعه روسیه به تشابهات بسیار نزدیک آن‌ها در باره هویت زنانه با نمونه‌های ایرانی روبرو شدیم، ولی در عین حال در هر دو زبان شاهد برخی تفاوت‌ها بودیم، به‌طوری که، اگرچه گاه بر نادیدن ارزش زنان در دوجامعه اشاره می‌کند، لکن هم‌زمان به‌زن به‌عنوان نیم دیگر جامعه احترام گذاشته می‌شود.

### اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱  
تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۹  
نوع مقاله: علمی پژوهشی

### کلید واژگان:

ضرب‌المثل، فارسی، روسی،  
فرهنگ، هویت زنانه،  
زبانشناسی جنسیتی،  
زبانشناسی اجتماعی

کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2021.315696.787

رضوانی، وجیهه. (۱۳۹۹). همه‌گیری آنلاین: بررسی چالش‌های استادان زبان انگلیسی دانشگاه بیرجند در طراحی و اجرای آموزش مجازی در زمان همه‌گیری بیماری کوید ۱۹. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، (۱۰) ۴، ۷۹۹-۷۸۸.  
Rezvani, Vajihe (2021). Cultural reflection of female identity in Persian and Russian proverbs. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (4), 788-799.  
DOI: 10.22059/jflr.2021.315696.787

\* وجیهه رضوانی استادیار گروه زبان روسی دانشگاه الزهراء است. دارای مدرک دکتری آموزش زبان از دانشگاه تهران است. زمینه‌های مورد علاقه و فعالیت: زبانشناسی اجتماعی، فرهنگ‌شناسی، متدهای آموزشی است که در این زمینه مقالاتی نیز دارد. ترجمه کتاب *نشانه‌های نگارشی و درست‌نویسی زبان روسی* از انتشارات سمت از کارهای اوست.



## Cultural reflection of female identity in Persian and Russian proverbs



**Vajihe Rezvani\***

Assistant professor of Department of Russian Language, Faculty of Literature, Alzahra University,  
Tehran, Iran  
Email: v.rezvani@alzahra.ac.ir

### ABSTRACT

The present article reviews the cultural reflection of female and feminine identity in Persian and Russian proverbs. Proverbs, as one of the reserves of spiritual culture, is the oldest style of oral creativity of any nation. The purpose of this study is to select examples of both languages and reflect the cultural categories, gender linguistics, social linguistics, about the identity of women or femininity in general and their analysis among Persian and Russian proverbs. The method used in this research is based on the study of literary texts and the dictionary of proverbs that have been used as research sources and etymology of words and their frequency of use in recent years in the written and spoken language of speakers of two languages. Among the proverbs studied on the subject of female identity, about 2287 proverbs were found. In conclusion, due to the differences in climate and culture of Russian society, we came across their very close similarities in terms of female identity with Iranian examples, but at the same time we saw some differences in each of the two languages, so that although it sometimes refers to ignoring the value of women in both societies, but women still respected as the other half of society.

DOI: 10.22059/jflr.2021.315696.787

© 2021 All rights reserved.

### ARTICLE INFO

Article history:

Received:  
28th, December, 2020

Accepted:  
20th, January, 2021

Available online:  
Winter 2021

### Keywords:

Proverbs, Persian,  
Russian, Culture, Female  
Identity, Gender  
Linguistics Social  
Linguistics

Rezvani, Vajihe (2021). Cultural reflection of female identity in Persian and Russian proverbs. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (4), 788-799.  
DOI: 10.22059/jflr.2021.315696.787

\* Vajiheh Rezvani is an assistant professor in the Russian language department at Alzahra University. She has a PhD in language teaching from the University of Tehran. Areas of interest and activity: Social linguistics, culturology, educational methods that have articles in this field. Translation of the book *Signs and Spelling of the Russian language* from "Samt" Publications is one of her works.

## ۱. مقدمه

پل ارتباطی بین انسان‌ها در همه زبان‌ها نخست آواها، واژگان و جملاتی‌اند که در خود، بازتاب فرهنگ و جهان‌بینی ملت‌ها را نمایان می‌سازند. «دو ویژگی خاص و منحصر به فرد زبان، یعنی عبارت‌پردازی و چینش واژگان در کنار هم، باعث بوجود آمدن یک‌بار معنایی ویژه‌ای می‌شود که درک معنا نه فقط برای فراگیران یک‌زبان بلکه برای صاحبان آن زبان مشکل و یا حتی غیر ممکن می‌شود. ضرب‌المثل‌ها نیز که از ویژگی‌های فرهنگی و زبانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و ریشه در آداب و سنن دارند، از این قاعده مستثنی نیستند. علی‌رغم تمایزات فرهنگی برخی از ضرب‌المثل‌ها دارای تشابه‌هایی در زبان‌های مختلف هستند.» [فیض الهی، ۱۳۹۸، ص. ۵۶۵] ضرب‌المثل‌ها، به‌مثابه خرد جمعی مردمان هر کشور و گویشوران هر زبان، اندوخته تجربه و دانش پیشینیان آن ملت است. "زبان آینه فرهنگ است، نه تنها بازتاب دنیای واقعی پیرامون، بلکه برآیند آگاهی اجتماعی مردم، ذهنیت، شخصیت ملی، روش زندگی، سنت‌ها، آداب و رسوم، اخلاق و معیارهای ارزشی یک‌ملت است." [Тер-Минасова, 2000, с.52]

ضرب‌المثل‌ها لایه‌های زیرین فرهنگی‌اند که می‌توان با واکاوی آن‌ها به‌شناخت نسبتا درستی از نگاه آن مردمان به‌دنیای پیرامون و روابط انسانی و کرامت و جایگاه هر یک از افراد جامعه و نهاد خانواده از جمله جایگاه کودکان، زنان، مردان، سالمندان و جوانان پی‌برد، زیرا که با ظرافت‌هایی بی‌نظیر در مثل‌ها بازتاب می‌یابند. مثل‌ها همچنین گذرگاه‌های تاریخی هر ملت را در خود به‌یادگار نگاه می‌دارند و به‌خوبی آن‌ها را برای نسل‌های آینده بازگو می‌کنند. در میان میراث ادبی هر ملتی، مثل‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، زیور کلام در لفافه‌ای از حکمت و هنرمندیند. از این روست که تمام اقشار جامعه در گفتار و نوشتار خود از این گوهر گرانبها استفاده می‌کنند. در این پژوهش برآنیم تا در مقایسه‌ای تطبیقی به‌این پرسش پاسخ دهیم که رویکردهای فرهنگی اجتماعی و جنسیتی در میان ضرب‌المثل‌های فارسی و روسی با محوریت زنانگی چه تفاوت‌هایی دارد؟ و از این رو باب همگرایی و هم‌اندیشی برای فرهیختگان و علاقه‌مندان به‌فراگیری هر دو زبان میسر است.

## ۲. پیشینه پژوهش

ضرب‌المثل‌ها از بخش‌های مورد علاقه بسیاری از فرهنگ‌شناسان و زبانشناسان و به‌راستی تلاش‌ها و پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است که هر یک از جنبه‌ای به‌آن پرداخته است. در زبان فارسی پس از طلایه‌دار بزرگ پژوهش در مورد مثل‌ها، دهخدا، شاملو و بسیاری دیگر که تلاش‌های بسیار گرانقدری انجام داده‌اند. در سال‌های اخیر حسن ذوالفقاری به‌راستی پژوهشی شایان و درخور انجام داده است که به‌بیان وی: «ضرب‌المثل‌ها با این گستره وسیع پژوهشی، شایستگی آن را دارد که گرایش یا رشته‌ای با نام «مثل‌شناسی و مثل‌نگاری» در دانشکده‌های علوم انسانی ایجاد شود یا پژوهشکده‌ای با همین نام به‌پژوهش‌های دامنه‌دار و پیوسته در این عرصه بپردازد.» [ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ص. ۱۱] در پژوهش گردآوری شده توسط وی و تیم همکارش تعریف‌های گوناگون از این ساختار زبانی، تفاوت آن‌ها با گونه‌های زبانی و ادبی، تاریخچه، طبقه‌بندی، زیبایی‌شناسی و ریشه‌شناسی ارائه شده است که تا کنون بی‌سابقه بوده است. در زبانشناسی اجتماعی رویکرد جنسیتی جستار نوینی در زبانشناسی بود که در نیمه دوم قرن بیستم توجه بیشتری به‌آن شد. در جامعه‌شناسی غربی، علاقه به‌مسئله کلیشه‌های جنسیتی در دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد و تا امروز ادامه دارد. مقاله‌ای توسط تیمی از دانشمندان به‌سرپرستی بروورمن (Broverman) یکی از اولین کارهای قابل توجه در باره ماهیت و محتوای کلیشه‌های جنسیتی بود. این مقاله حاوی نتایج یک مطالعه تجربی گسترده بود. طی دهه‌های بعدی، تک‌نگاری‌هایی از جمله توسط باسوف (Basow) مقاله‌هایی با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف کلیشه‌های جنسیتی به‌رشته نگارش درآمدند که از مهمترین آثار در باره جنبه‌های نظری کلیشه‌های جنسیتی می‌توان به‌مقالاتی از دیو (Deaux)، لوئییس (Lewis)، آشمور (Ashmor)، دل بوکا (Del Boca) و ولر (Wohlers) اشاره کرد. از پژوهشگران تازه‌تر در قاره اروپا می‌توانیم به‌پروفسور ولفگانگ میدر (Wolfgang Mieder) (۲۰۰۴) نیز اشاره کنیم که در توضیح ضرب‌المثل به‌روال اسلاف خود مثل‌ها را چکیده تجربه مردمان هر سرزمین می‌داند. در روسیه، روانشناسان اولین کسانی بودند که با استفاده از اصطلاح "کلیشه‌های جنسیتی" به‌این موضوع پرداختند. در دهه ۱۹۸۰، در آثار آگبی‌یف (Агивеф) پژوهش‌ها روی این جنبه زبانشناسی بیشتر انجام گرفت. کیریلینا

(Кирилина) (۱۹۹۹)، کارمیلتسوا (Кармилтсова) (۲۰۱۴) از دیگر کارشناسان گستره زبان و فرهنگ روسیه‌اند که در زمینه‌های مورد توجه در این پژوهش کوشش‌های درخوری انجام داده‌اند. در ایران، مقوله بررسی پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیتی از اواسط دهه ۹۰ قرن بیستم محبوبیت خاصی پیدا کرد. نمود چنین پژوهش‌هایی در آثار مدرسی (۱۳۶۸-۱۳۸۸)، اردکانی (۱۳۸۷)، محمدی اصل (۱۳۹۰)، اصلانی (۱۳۸۳)، پاک‌نهاد جیروتی (۱۳۸۱) را می‌توانیم جستجو کنیم.

### ۳. روش پژوهش

در بررسی حاضر بر اصول نظریه‌های شناختی کلابیرگ، آلپورت و کروکر (۱۹۵۴) و نظریه نقش‌های اجتماعی ایگلی و نظریه هویت اجتماعی *تجفل* و ترنر (۱۹۸۶) با واکاوی‌های زبان‌شناسانه بومی به بررسی تفاوت‌های فرهنگی هویت زن در مثل‌ها خواهیم پرداخت. روش پژوهشی استوار بر گزینش و مقایسه بوده است تا از مجموع نمونه‌های گردآوری شده به پاسخی روشن در این زمینه دست یابیم. نمونه‌های روسی از فرهنگ بزرگ مثل‌های روسی دال (Даль)، فرهنگ ضرب‌المثل‌های گولوا (Гулова)، فرهنگ کوراغلی (Кёроглы) و فرهنگ امثال و حکم روسی-فارسی دکتر فرسادمنش گردآوری شده‌اند و نمونه‌های فارسی از فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی ذوالفقاری و ادبیات منظوم و مثنوی زبان فارسی گزینش شده‌اند. در این مقاله، سعی کردیم با روش مقایسه و تجزیه و تحلیل نمونه‌های منتخب، شباهت‌ها و تفاوت‌های کلیشه‌های جنسیتی بین ضرب‌المثل‌های روسی و فارسی را جستجو کنیم و در صورت عدم تطابق، ارتباط ضعیف با واقعیت، از استفاده بیشتر آن خودداری کنیم.

### ۴. بحث و بررسی

#### عناصر جنسیتی

جنسیت (جنسیت فرهنگی اجتماعی) به‌مهمترین ویژگی‌های زبانی اشاره دارد و در علم مدرن به‌عنوان یک ساختار انگارگانی متعارف شناخته می‌شود که برپایه نظریه‌های درباره زنانگی و مردانگی در یک فرهنگ معین شکل می‌گیرد. در عین حال، به‌زبان، به‌عنوان زمینه‌ای ناخودآگاه نگاه می‌شود که کلیشه

ها، ایده‌آل‌ها و ارزش‌های جنسیتی را با استفاده از ساختارهای غیر خنثی زبانی، و به‌عنوان ابزاری که امکان بازتولید معانی جنسیتی را در عمل اجتماعی فراهم می‌کند، اصلاح می‌نماید. [Сергеева, 2007, с. 16] پیش از هر بررسی به‌ریشه‌شناسی اصلی‌ترین واژگان نماینده دو جنسیت زن و مرد در زبان‌های فارسی و روسی می‌پردازیم. واژه «زن» در فارسی دارای معادل روسی (женщина/ жена) است. مکنزی در فرهنگ واژگان پهلوی، ریشه این واژه را از [Jāni] که در هندی باستان به‌صورت Jāni وجود داشته و ریشه در زبان سانسکریت دارد، به‌معنای «زایش» و امروزه ریشه این واژه با واژگان «زندگی» و «زایش» مشترک است. [Mackenzie, 1997, p. 568] بر اساس پژوهش فاسمر (Fasmer) در فرهنگ ریشه‌شناسی واژگان اسلاوی، واژه (жена) در زبان‌های ارمنی، بخش بزرگی از زبان‌های اسلاوی دارای مشابهت آوایی و معنایی با نمونه فارسی‌اند. [Фасмер, 2004, 359] راستارگوییوا (Rastagoueva) و ادلمان (Edelman) نیز در پژوهش خود این ریشه‌ها را تایید کرده‌اند که همگی مشابهت در واژگانی چون žena, ženiti, ženixъ را یادآور می‌شوند.

در زبان‌های گروه ژرمن، به‌ویژه زبان بین‌المللی انگلیسی، برای نامیدن موجودیت زن واژه /womən/ woman/ به‌یادگار از Old English از ترکیب wo+man, wif+mān و در زبان فرانسه از ترکیب f+home ساخته شده‌اند. در بیشتر زبان‌های اروپایی با تغییر اندک آوایی این واژه وجود دارد و همانطور که مشاهده می‌شود در ترکیب خود از جزئی که به‌موجودیت مردانه اشاره دارد، بهره برده‌اند، اما در زبان فارسی و روسی و بسیاری از زبان‌های خانواده اسلاوی واژه «زن» موجودیت مستقل دارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در زبان‌های فارسی و روسی در ذهنیت و تفکر دو قوم، "زن" جایگاه مستقلی از مرد دارد و هویت زنانه او در گروه وجود مرد نیست. لیخاچوف بر این باور است که ترکیب‌های ثابت زبانی دارای نشانه‌های جنسیتی از اهمیت ویژه‌ای در بررسی و پژوهش‌های زبان‌شناسی امروزه دارد و اطلاعات زبان‌شناسی ارزشمندی می‌توان از این گنجینه غنی به‌دست آورد. [Лихачев, 1997, с. 252] کلیشه‌های جنسیتی بازتاب تقابل مردانگی و زنانگی در ساختارهای زبانی‌اند. این دسته‌بندی در رصد کردن، تفاوت نگاه به‌زنان و مردان را بهتر

میسر می‌سازد. این دسته‌ها شامل: ویژگی‌ها و کیفیت‌های مرتبط با موقعیت‌های قدرت، همکنشی بین فردی، ویژگی‌ها و کیفیت گستره‌های عاطفی و شناختی، و همچنین مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی است [Рябова, 2003, с. 125]

واژه فارسی مرد (mard) در اوستا به شکل marəta به معنی میرا، فانی، انسان و مرد آورده شده است. در فارسی باستان martiya به عنوان اسم "مرد" در کتیبه بیستون آمده است: θ ātiy Dārayavauš xšāyaθiya atar imā dahyāva martiya hya āgariya āha avam ubartam abaram ترجمه: داریوش شاه گوید: "در این سرزمین‌ها، مردی که وفادار بود، او را خوب پاداش دادم". [حسن دوست، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۶] در «وزیدگی‌های زادسپرم» ریشه این واژه را چنین توصیف می‌کند: در زبان سنسکریت -mārta- برگرفته از \*met- «مردن»، سغدی mart'y «مرد» mrdxmy «مرد، انسان»، فارسی میانه mard و این واژه‌ها از ریشه هند و اروپایی mórto «مرد، میرا» است، که از این ریشه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی مانند ارمنی mard «مرد» موجود است. [راشد محصل، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۵] واژه муж در زبان‌های اسلاوی به معنای «شوهر، مرد و انسان» از

ریشه‌های سنسکریت به شکل mānu, mānuṣ, mānuṣ و اوستایی manuṣ دانسته‌اند [Фасмер, 2004, с. 49]

زنان در طول تاریخ در معرض بی‌مهری‌های بسیاری قرار گرفته‌اند، در میان ایرانیان، بزرگداشت جایگاه مادر، همسر و دختر در مناسبت‌های مختلف صورت می‌گرفته و در دین اسلام، احترام به مادر بسیار سفارش شده است و رسول اکرم (ص) نیکی به همسر و دختر را در سنت خود برای پیروانشان به یادگار گذاشته شده است و حدیث معروف «بهشت زیر پای مادران است»، خود گواه این مطلب است. لکن آنچه در مثل‌ها مشاهده می‌کنیم، نه همه آنی است که باور داریم است و نه همه آن بی‌اساس است. نمی‌باید از این موضوع غافل شد که مثل‌ها در ادوار مختلف به وجود آمده‌اند و یک‌به‌یک به زبان افزوده شده‌اند. از این رو در منابع موجود به بررسی قالب‌های زبانی منتسب به زنان پرداختیم و آنچه بدست آمده، در جدول زیر به نمایش درآمده است. توضیح اینکه هرصفت در ترکیب با واژه زن همراه شده است به این معنی که اگر واژه «بد» به عنوان صفت مشاهده شده، در مثل از ترکیب «زن بد» استفاده شده است.

جدول شماره ۱

صفات با ارزیابی مثبت			صفات با ارزیابی منفی					
شمارگان	صفت	ردیف	شمارگان	صفت	ردیف	شمارگان	صفت	ردیف
۹	پاکدامن	۱	۱	یاغی	۲۰	۶۲	بد= زن بد	۱
۳۴	خوب	۲	۱	ولگرد	۲۱	۳	بد زبان	۲
۱	نجیب	۳	۶	ویرانگر	۲۲	۲	بدخو	۳
۱	با پشتکار	۴		شهوت ران	۲۳	۱۸	بدکار	۴
۳	با وفا	۵	۷	فتنه انگیز	۲۴	۲۸	بی وفا	۵
۱	با وقار	۶	۲	کوتاه قد	۲۵	۳۴	حیله گر	۶
۱	خنده رو	۷	۲	گستاخ	۲۶	۱۲	نادان	۷
۱	خوش اخلاق	۸	۱	لج باز	۲۷	۱	ایرادگیر	۸
۳۶	خوشگل	۹	۲	مرموز	۲۸	۱	بی اراده	۹
۱	دل خواه	۱۰	۲	مسئولیت گریز	۲۹	۱	بی کس	۱۰
۱	رازدار	۱۱	۱	نالایق	۳۰	۱	بی مهر	۱۱
۱	زرتنگ	۱۲	۶	نا نجیب	۳۱	۱	بی نظم	۱۲
۱	زیرک	۱۳	۲	عصبانگر	۳۲	۲	پر خور	۱۳
۳	سازگار	۱۴	۱	راحت طلب	۳۳	۳	پر حرف	۱۴
۱	سازنده	۱۵	۲	زیاده خواه	۳۴	۱۲	پیر	۱۵
۳	صرفه جو	۱۶	۱	سست رای	۳۵	۴	تبل	۱۶
۱	فرمان بر	۱۷	۱	سیاه	۳۶	۱	حریص	۱۷
۱	مدیر	۱۸	۵	سلیطه	۳۷	۲	خائن	۱۸
۱۰	کاردان	۱۹	۱	راحت طلب	۳۸	۱	دریده	۱۹

در طبقه بندی ضرب المثل‌ها، رویکردهای مختلفی وجود دارد که بر ویژگی‌های واژگانی و کاربردی و یا همان مفهومی متمرکزند. در این نوشتار، ما نیز توجه خود را بر ویژگی کاربردی معطوف می‌نماییم.

### حضور و فعالیت اجتماعی زنان در مثل‌ها

بر اساس نظریه نقش‌های اجتماعی ایس اگلی (Элис Эгли) مبنی بر ایفای نقش‌های اجتماعی مختص زنان و مردان، در میان نمونه‌های هر دو زبان، همچنین موضوع وابستگی اقتصادی زن به مرد، به‌وفور دیده می‌شود. در هر دو زبان سرپرست خانواده مرد به‌شمار می‌رود. حال این مرد می‌تواند پدر، شوهر و یا برادر باشد:

نان می‌دهی فرمان می‌دهی؛

هرکسی پول دارد دختر پادشاه زنش می‌شود؛

و در کنار آن‌ها مثل‌هایی را مشاهده می‌کنیم که حضور اجتماعی زن را مذمت کرده‌اند:

خانه‌نشینی بهترین کار برای زنان است؛

زنان را نباشد به‌جز یک هنر / نشینند و زاینند شیران  
نر.

در ضرب المثل‌های روسی تفاوت‌های جنسیت زده در نوع اشتغال زنان و مردان به‌خوبی آشکار است:

*Мужик не прядёт, а без рубаики не ходит, а баба и прядёт, да не по две носит;*

مرد نخریسی نمی‌کند اما بدون پیراهن نمی‌ماند،

زن نخریسی می‌کند اما دوتا پیراهن هم نمی‌تواند  
بپوشد.

*Бабушка на печь, а дед - по дрова;*

مادر بزرگ پای اجاق، پدر بزرگ پای هیزم

*От мужика пахнет ветром, а от бабы - дымом;*

از مرد بوی باد می‌آید و از زن بوی دود

*Мужика на двор, бабу в дом.*

مرد در جنگل، زن در خانه

در اینگونه مثل‌ها، وحدت زن و مرد در پیشبرد امورات زندگی نیز از جمله مفاهیمی است که می‌توان استنباط کرد. نگاهی که به‌بیوه زنان در جوامع مختلف می‌شود، کم و

بیش نزدیک بهم است، گاه ترحم‌برانگیز و تحقیرآمیز و گاه سوء استفاده‌گر:

آش ترش بفرما ندارد، زن بیوه مبارک باد؛

از راه برو بیراه مرو هرچند که راه دورتره، دختر بگیر، بیوه بگیر هرچند دختر گرانتره؛

از زمین تمشک دار و بیوه بچه دار فرار کن؛

بیوه زن اگر ناودون خانه اش از طلا باشد واجب  
الرعايه است؛

*Для вдовы дни и ночи черны;*

برای بیوه‌زن شب و روز سیاهه

*Вдова поклонится и кошке в ножки;*

بیوه‌زن برای گربه هم تعظیم می‌کند

*Вдовья подушечка не просыхает;*

بالش بیوه زن خشک نمی‌شود (اشاره به بسیاری  
گریه است)

زبان جنسیتی در سطح گسترده در اشکال برادر-خواهر، مادر-پسر، پدر-دختر، زن-شوهر زن نمودار می‌شود که این زبان بسته به وضعیت آحاد جامعه در مواضع گوناگون اجتماعی متفاوت خواهد بود. در راستای همین مورد، نگاه به‌دختران در هر دو جامعه روسی و ایرانی متأثر از همان نگاه جنسیت فرودست است:

اشتر که شود مست به‌زنجیر شود بست

دختر که شود مست به‌زنجیر نتوان بست.

*Все девушки хороши, а откуда злые жены берутся?*

[اگر] همه دخترها خوبین، پس این زنهای بد از کجا

هستند؟

*Девичье «нет» - не отказ*

«نه» ی دخترها به‌معنی نمی‌خوام نیست

*Девичьи думы изменчивы.*

افکار دخترها ثابت نیست

عقل و خردمندی زنان در مثل‌ها و رویکردهای مثبت

### و منفی

در تاریخ بشری نقش و حضور زنان بسیار پررنگ‌تر از آن چیزی بوده است که در نوشته‌ها به‌یادگار مانده باشد. در

کوتاه‌ترین سخن، می‌توان به نقش مادری زنان اشاره کرد که اگر قهرمانی، اسطوره‌ای، شاعری و یا نخبه‌ای به این عالم تحویل داده شده است، از دامن مادرش بوده است و مادر خردمند و دانا، توان پرورش فرزندان بهتر را دارد. آمیختگی مقوله جنسیت با مقولاتی چون طبقه، قومیت، هویت، سن، و شهروندی، زبان، علم و مواضع اجتماعی نشانگر آن است که همه این موارد نیازمند به‌بررسی‌اند. زبان فارسی در مقابل برخی زبان‌های دیگر، فاقد نشانه‌های تفکیک زنانگی و مردانگی است و به‌تعبیر برخی این خود نشان از برابری جنسیتی در زبان فارسی دارد و برخی بر این باورند، که در دوردست‌های زبان فارسی، چنین عناصری وجود داشته، لیکن در این جا، قصد بررسی آن‌ها را نداریم و فقط گذرا به‌وجود چنین فرضیه‌ای اشاره شد. اما در زبان روسی این مسئله کاملاً رعایت می‌شود و تا کنون در ساختار زبان باقی مانده است. ساختار مثل‌ها برآمده از جهان‌بینی مردمان گویشور آن زبان است. در بررسی بازتاب رویکرد فرهنگی مثل‌های زبان روسی و فارسی با محوریت خرد و دانایی زنان دچار سرگشتگی و ابهام می‌شویم، زیرا از یک سو با تعبیری از زبان‌شناس سرشناس «کارمیلتسوا» روبرو می‌شویم که: «عقل زن، برخلاف عقل مرد ضعیف و رشد نیافته است» [Kormil'tseva, 2014, c. 69-73]. از دیگر سو با ضرب‌المثل‌هایی مواجه می‌شویم که اتفاقاً بر خردمندی و توان رهبری زنان تأکید دارند. در بررسی‌های انجام شده در هر دو زبان فارسی و روسی، «بلاغت»، «نارس بودن» و «ناتوانی» از قالب‌های تکرار شونده در باره زنان است، که گاهی با استفاده از واژه‌های مشخص این منظور بیان می‌شود و گاهی تلویحی از فحوای عبارت برداشت می‌شود.

«زبان و جنسیت و جامعه چنان الگوهای کلامی را در دهان متکلمین می‌نهند که تکلم نشانگر انتظارات بهنجار از خصائص و کیفیات مردان و زنان سخنگو باشد و هرگونه انحراف از این ملاک‌ها را به‌صرافت و ظرافت معلوم دارد.» [محمدی اصل، ۱۵۳، ۱۳۹۴] موقعیت اجتماعی زنان ایران و روسیه با زمانی که این مثل‌ها بوجود آمده‌اند، قطعاً فاصله بسیاری دارد اگر چه همچنان متولیان امور اجتماعی در تکاپویند این جایگاه را بهبود بخشند، اما بی‌شک میراث این نگاه مرد سالارانه که در فرهنگ گذشتگان موجود بوده، رد پایش در آثار مکتوب از جمله

مثل‌ها قابل مشاهده است:

اگر زن نادان نباشد خیر رمال را چه کسی می‌دهد؛

اگر زن کدخدا شود موی بز را در زمستان می‌چیند؛

بزرگترین خوشبختی زنها این است که مجبور

نیستند مثل مردها زن بگیرند؛

عقل زن در دامنه از جاش بلند شد عقلش افتاد؛

عقل زن ناقصه؛

*Если бох хочет лишить человека разума, он напускает на него женицину;*

اگر خدا کسی را از عقل محروم نماید زن را بر او

مستولی می‌نماید

*У бабы семь пятниц на неделе;*

زنان هفت تا جمعه در هفته دارند

*Добрая кума живет и без ума;*

زن مهربان بدون عقل هم زندگی میکند

*Бабы умы разоряют дома;*

عقل زنان خانه خراب کن است

*Волос долог, да ум короток;*

موی بلند، اما عقل کوتاه

*Собака умней бабы: на хозяйина не лает (о брани).*

سگ از زن عاقل تر است بر صاحبش پارس نمی

کند

بر اساس نظریه " هویت اجتماعی رفتار بین گروهی "

هنری تاجفل (Tajfel H.) و جان ترنر (Turner J.C.) رابطه

ای بین عزت نفس فرد و هویت گروهی او برقرار می‌کند و

دستیابی به یک هویت مثبت را در گروه خود تقویت می‌کند

[Tajfel, 2004, c. 30]، به‌بیان دیگر برهمکنشی نقش‌های

انسانی محرز است و انسان‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند:

*Муж пьёт – полдома горит, жена пьёт – весь дом горит;*

اگر شوهر (شراب) بنوشد نصف زندگی می‌سوزد،

اگر زن (شراب) بنوشد تمام زندگی می‌سوزد

*Плохой муж – худо, плохая жена – наихудшее;*

شوهر بد، بد است، زن بد، خانه خراب کن است

*Мужик – огонь, а баба – целый пожар;*

مرد آتش است و زن آتشسوزی

دسته دیگری از مثلها که بازتابی از نگاه برتری جنسیتی مردانه بر زنانه دارند در نمونه های زیر بیان می شوند:

از زن خندان و کنده ی لقمان بترس؛

از زن جفا، از سگ وفا؛

از زن وفاداری که دید؟

*Кто бабе (свахе) поверит, трех дней не проживет;*

هرکسی زن را باور کند سه روز هم زنده نمی ماند

*Не шути с женщинами - эти шутки глупы и неприличны.*

با زنان شوخی مکن این شوخی ها احمقانه و

بیشزمانه است.

در میان نمونه ها شاهد شمار اندکی از مثل هاییم که زن را محور پویایی، شور زندگی، خرد و مدیریت خانه و خانواده می دانند، اما اغلب با نمونه هایی که روایتگر تفاوت های جنسیتی اند روبرویم:

مرد آبیاری می کند و زن هر جا لازم بداند جلوی

آب را می گیرد.

مرد آورد، زن نگه دارد؛

آتش را خاکستر، بار اسب را ریسمان، ماهی را

سنگ، سیل را سد، خانه و زندگی را باید زن نگه

دارد.

*Муж голова а жена шея;*

مرد مانند سر است و زن مانند گردن(اشاره به این

موضوع دارد که گردن به هر سمتی بچرخد سر نیز

به همان جهت حرکت می کند)

*Бабий ум лучше всяких дум;*

عقل زن، بهتر از هر چیز است

*Умная жена мужа поднимает а глупая опускает.*

زن عاقل شوهرش را بزرگ می دارد و زن نادان بر

زمین می زند

در برخی از مثلها زیبایی و عقلانیت رو در روی هم دیگر قرار می گیرند:

بگشید و خوشگلم کنید؛

زیبایی برای زن و کچلی برای مرد خوبست؛

*У нас женщины тем и сохраняют свою красоту, что никогда ничего не думают;*

زنان ما اینقدر به زیبایی اهمیت می دهند که هیچگاه

به هیچ چیز فکر نمی کنند.

*И красавице ум мне помешает;*

عقل برای زیبارویان مزاحمتی ایجاد نمی کند

*Красиво ещё не умна;*

زیباست اما عاقل نیست

*Красота приглядется, а ум вперёд пригодится;*

زیبایی چشم را می نوازد اما خرد برای پیشرفت

لازم است

*Красота без разума пусто;*

زیبایی بدون خرد پوچ است

*Красота разума не предаст;*

زیبایی خرد نمی آورد

*Красавица Без ума что кошелёк без денег;*

خوشگل بی عقل مثل کیف پول بی پول می مونه

در فرهنگ ایرانی با اینکه پیر شدن به معنای اندوختن تجارب زندگی و در نتیجه پختگی و فرزاندگی است و مستوجب احترام به پیران و کهنسالان می شود، اما در مثلها همین باور عمومی اجتماعی در مورد زنان به گونه ای دیگر نمایان می شود:

تیری به پهلوی زن به که پیر شدن؛

زن پیر بوسیدن پنبه خاییدن؛

*Старость не радость*

امان از پیری (پیری شادمانی ندارد)

البته این مثل بدور از شائبه های جنسیتی است و صرفاً عدم رضایت از پیری را بیان می کند و برای هر دو جنس به کار می رود.

**زیبایی زنان و رویکرد به آن در مثلها**

در میان زبان شناسان روس، مقوله زیبایی از جنبه های مفهومی، زبانی و مقایسه ای بسیار مورد بررسی قرار گرفته است که از این میان می توان به آثار تاراسنکو (Tarasenko)، مشچریکوا (Meshcheriakova)، باریسوا (Borisova)



سادیویا (Sadrieva) و دیگران اشاره کرد. پارادایم احمق و زیبا در فرهنگ عامه روسیه و ایران از دیرباز وجود داشته که گواه آن‌ها نمونه‌های ضرب‌المثل‌های موجود است و امروزه در بخش دیگری از ادبیات عامیانه یعنی طنزها نمود بیشتری پیدا کرده‌اند. به دلیل ساختار دگرگون شده اجتماعی و فاصله گرفتن مردم از کتاب‌خوانی متن‌های کوتاه داستانی در قالب طنز در بین جوامع گوناگون رواج پیدا کرده که غالباً منتسب به شخص خاصی نیست، ولی بسیار گسترده در جامعه دست به دست می‌شود و در یکی از محورهایی که با بسامد بسیار بالا در آن تولید محتوا می‌شود، زنان زیبای احمق است، که در فارسی از اصطلاح «داف» و در زبان روسی «زن بلوند» «بلوندا» برای بیان مفهوم «زن زیبای بی‌خرد» استفاده می‌شود. در این پژوهش که بر بررسی مثل‌ها استوار است واژگان روسی «красивая»، «красавица»، «благовидна» و در فارسی واژگان «زیبا»، «خوشگل»، «قشنگ» مورد توجه بوده‌اند.

طبقه‌بندی زیبایی در مثل‌ها از جنبه جنسیتی را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد: (۱) زیبایی ظاهری، (۲) زیبایی معنوی، (۳) ذهن و زیبایی، (۴) عشق و زیبایی. مراقبت و مداومت بر آراستگی و پیراستگی یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان است. هر جامعه‌ای دارای معیارهای زیبایی‌شناسی و ارزشگذاری مخصوص به خود است که به عنوان مثال پسندیده و ناپسند جامعه ایرانی با جامعه روسی می‌تواند متمایز از یکدیگر باشد. بیان زیبایی ظاهری در ادبیات زبان فارسی و روسی به کرات دیده می‌شود و یکی از این آثار فاخر در زبان روسی منظومه یوگنی آنگین اثر سرگی میخائیلوویچ پوشکین هست. در آثار منظوم فارسی نمونه‌های بیشماری وجود دارند که به توصیف ظاهری زنان پرداخته‌اند مانند آثار عبد الرحمان جامی «لیلی و مجنون»، «یوسف و زلیخا»، «خسرو شیرین» نظامی و «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی و در نثر توصیف زیبایی زنان در کتاب سمک عیار و قطران اثر خداداد کاتب ارجانی و بازنویسی دکتر پرویز ناتل خانلری. در زبان‌های فارسی و روسی ترکیب‌های ثابت بسیاری برجزیات ظاهر زنانه اشاره می‌کنند که در هر یک از دو فرهنگ مطابق با تعریف زیبایی‌شناسی بومی، گاهی بهم نزدیک و یا متفاوت از یکدیگرند. از میان تعابیر روسی می‌توانیم به نمونه‌های زیر اشاره کنیم: походка павлина

(رفتش بسان طاووس)، очи соколы (چشمانی چون شاهین)، брови соболя (ابروانی چون سمور)، кровь с молоком (سرخ و سفید) توصیف شده‌اند. در زبان فارسی توصیف زیبایی در شعر و نثر به استعاره‌هایی چون: لعل لب، سرو بالا، جعد گیسو، نرگس مست، چاه زرخدان، سیم تن و کمان ابرو به کار رفته‌اند.

در میان مثل‌ها به مانند زبان روسی رنگ پوست نیز از معیارهای زیبایی است از آنجایی که در میان نژاد روس، پوست گندمگون بسیار نادر است، در برابر، در مثل‌های فارسی به واسطه طبیعت نژادی این رنگ پوست مورد قبول است:

*Круглолицость; цвет лица: Бела, румяна; Руса коса до шелкова пояса*

سفید سفید صد تومان، سرخ و سفید سیصد تومان،

حالا که رسید به سبزه؛ هر چی بگی می‌ارزه.

زن باید تپیل باشه، سفید و کمی چاق.

در مثل‌های روسی و فارسی، صورت عضو مهم زیبایی است.

*Красней красного солнышка, ясней ясного месяца;*

زنی خوشگله که صورتش چون قرص ماه باشه

در زبان روسی و فارسی مثل‌هایی وجود دارد که برخی از این نمونه‌ها در عین اهمیت دادن به زیبایی توجهی به خردمندی و فرزاندگی زنان نمی‌کند:

زمین شور را نکن کشت؛ اگر مفتت دهند، نستون

زن زشت؛ اگر مفتت دهند؛

زنم قشنگ باشد؛ نبرد بارم، حرم ز رنگ باشد؛ نکند

کارم؛

کاش شوهر زنی باشی که از جشن برگشته باشد؛

این روند ادامه دارد به حتی زنی که زیبایی چشمگیری ندارد و با چنین پنداری؛ سزاوار زندگی خوبی نیست، درحالی که زیبایی امری نسبی است و ملاک‌های آن در جوامع مختلف متفاوت است.

برای زن زشت کار، برای زن خوشگل یار می‌آید؛

برخی دیگر بازتاب‌های بیشتری از نگاه‌های جنسیتی و دلپذیری را برای زنان تایید می‌کنند:

از حمام میایی برو به نزد شوهر، از رختشویی میایی  
برو به نزد مادر؛

*Молодец красив, да на душу крив;*  
زن زیبای جوان، اما بد نهاد

عروس خوشگل باشه، مهم نیست جهاز نداره؛

*Красивая, как елка; колючая, как иголка;*  
زیبارویان مانند کاج تیغ و سوزن دارند

اما بر وفق همه امور طبیعی، دیدگاه‌های مخالفی نیز  
هستند که البته شمار کمتری دارند:

*Лицом красавица, а нравом только черту  
нравится;*

صورتش زیبا، سیرتش برای شیطان خوب است

زن زشت زاینده، به که زن زیبای نازاینده؛

خنده زن زیبا، گریه کیف پول؛

خوشگلی نون و آب همیشه؛

زیبارویان را وفا نبود؛

خوشگلی به تبی بنده؛

زیبا ظاهر و باطن گندیده؛

زن خوشگل، مال شوهرش نیست؛

اما در مقابل، زیبایی ظاهری برای مردان به عنوان امتیاز  
محسوب نمی‌شود و آنچه در قالب شایستگی‌های مردانه  
به‌شمار می‌رود، عقل و درایت است.

توجه به زیبایی ظاهری در میان مثل‌های روسی، در  
مقایسه با نمونه‌های فارسی، نمود کمتری دارد:

در مهمانی مرد را با عقلش راه می‌دهند، نه با

زیبایش؛

*Если невеста не привлекательна, то какова  
польза от красоты ее родителей?*

عروس که خوشگل نیست، از زیبایی پدر و مادرش

چه حاصل،

ارزش مرد به عقلش و زن به زیباییش است؛

*Ум женщины - в её красоте, красота  
мужчины - в его уме*

*Настоящая красота людей пленяет, редкая  
— смех вызывает;*

زیبایی واقعی دل مردم را اسیر می‌کند و زشتی

سبب خنده می‌شود،

## ۵. نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه‌گیری کلی از پژوهش انجام شده، می‌توان  
به‌موارد زیر اشاره نمود: در زبان روسی و فارسی واژه «زن»  
«женщина» هويت مستقل واجبی (فونتیکی) و معنایی  
(سمانتیکی) دارد، این مطلب در زبان‌های ژرمن که  
همانندی‌های بسیاری با زبان روسی دارند، بدین صورت  
نیست و واژه زن در سایه واژه مرد تعریف می‌شود. مثل‌هایی  
که بررسی شدند، بیشتر؛ حکایت از نگاه‌های جنسیتی  
فرودستانه نسبت به هويت زن و زنانگی داشتند. این بررسی‌ها  
در میان الگوهای متناسب به‌زنانی صورت گرفت که شاخص  
عقل و خرد در میان مثل‌ها بسامد بیشتری داشت و زنان از  
بهره خردی کمتری برخوردار بودند. زن و زیبایی دو مفهوم  
همراهند، اما مفهوم زیبایی خود درکی ماهوی انتزاعی و نسبی  
دارد که از جامعه‌ای به جامعه دیگری دگرگون می‌شود. زیبایی  
مولفه بسیار مهم برای مقبولیت زنان و نوعی اقتدار در بدست  
آوردن موقعیت اجتماعی تعبیر می‌شود، و آنانکه بی‌بهره‌اند  
بناچار محروم از این اقتدارند.

*Сон подушки не ищет, любовь красоту не  
спрашивает*

خواب دنبال بالش نمی‌گردد، عشق هم به دنبال

خوشگلی،

بر همین آهنگ در زبان فارسی در اثر وحشی بافقی

نمونه‌ای داریم که در میان فارسی زبان‌ها بسیار رایج است:

اگر در دیده مجنون نشینی، به‌غیر از خوبی لیلی

نبینی؛

*Некрасивую бабу и зеркало не любит*

آئینه زن زشت را دوست ندارد

در نمونه آخر مشابهی در فارسی وجود دارد:

زن زشت از آئینه بدش می‌آید،

«زیبایی» و «بدجنسی» نیز، بازتاب قابل توجهی در مثل‌ها

به‌عنوان دو ویژگی موازی دارند، بدینگونه: زنان زیبا از نخوت  
و بدجنسی برخوردارند:

هویت اقتصادی و استقلال زنان چندان مطلوبیت ندارد و تعیین مرز حضور اجتماعی برای زنان، گویای نگاه جنسیتی به این قشر از جامعه است، که هرچه حضور کمتری داشته باشد، تایید بیشتری را دریافت می‌کنند. از دیگر سو، توان مدیریتی و اداره خانواده از توانایی‌های مبهم زنان برشمرده

## منابع

می‌شوند که مخالفان و موافقان خود را دارد. به‌طور کلی در این بررسی، به‌نزدیکی بسیار زیاد جایگاه هویت زنانه در مثل‌های فارسی و روسی دست‌یافتیم. همچنین هر مثل نمونه‌ای بسیار نزدیک در حد معادل دارد و یا بسیار به‌مفهوم موجود در آن نزدیک است.

Ashmore R. D., Del Boca F. K., Wohlers A. J. Gender Stereotypes (1986). The Social Psychology of Female-Male Relations: A Critical Analysis of Central Concepts.

Basow S. A. (1992). Gender Stereotypes and Roles. Pacific Grove, Cole publishing Complex.

Broverman, I. K., Broverman, D. M., Clarkson, F. E., Rosenkrantz, P. S. & Vogel, S. R. (1970). Sex-role stereotypes and clinical judgments of mental health. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 34(1), 1-7

Deaux K., Lewis L. (1984). Structure of Gender Stereotypes: Interrelations among Components and Gender Label, *Journal of Personality and Social Psychology*. № 45 (5), 991-1004.

Mackenzie D. N. (1971). *A concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.

Tajfel H., Turner J.C. (1986). *The Social Identity Theory of Intergroup Behavior*, Worchel, S. & Austin, W. *Psychology of Intergroup Relations*. Chicago: Nelson-Hall. P. 7

Даль В. И (1984). *Пословицы русского народа*. В 2-х томах, Москва.

Кормильцева А.Л. (2014). Гендерный аспект устойчивых выражений, кодирующих женский интеллект, в английском и русском языках, сборник научных трудов SWORLD, сс. 69-73

Лихачев Д.С. (1997). *Избранное* Великое наследие. Заметки о русском. СПб.: «LOGOS», 608 с.

Рябова Т.Б. (2003). Стереотипы и стереотипизация как проблема гендерных исследований, *Личность. Культура. Общество*. М. Вып. 1-2. С. 120-139.

Сергеева М.В. (2007). Динамика гендерных репрезентаций в британской толковой лексикографии: Автореферат.

Тер-Минасова С.Г. (2000). *Язык и межкультурная коммуникация*- Москва, Слово.

Фасмер М. (2004) *Этимологический словарь русского языка: В 4 т.: Пер. с нем. Russisches etymologisches Wörterbuch / Перевод и дополнения О. Н. Трубачёва*. — 4-е изд., стереотип. — М. 670с.

پاک نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). *فرادستی و فرودستی در زبان*،

تهران: انتشارات گام نو.

داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۷). کنکاشی در پژوهش های زبانشناسی  
جنسیت، تهران: مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۲،  
صص ۱۶۲-۱۸۱.

اصلانی، محمد رضا (۱۳۸۴). تعامل و جنسیت و کارکرد آن در  
ادبیات داستانی معاصر فارسی، تهران.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی،  
تهران: معین، دو جلدی.

حسن دوست، محمد (۱۳۹۴). فرهنگ ریشه شناسختی زبان فارسی:  
فهرست لغات زبان ها و گویش ها تهران: نشر آثار فرهنگستان  
زبان و ادب فارسی. ج. ۴.

راشد محصل، محمد تقی (۱۳۸۵). وزیدگی های زادسیرم، تهران:  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآم ای بر جامعه شناسی زبان، تهران:  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدی اصل، عباس (۱۳۶۸). جنسیت و زبان شناسی اجتماعی،  
تهران: گل آذین.

فیض الهی، علی، گندمی، نسرین (۱۳۹۸). بررسی مقایسه ای برخی  
از ضرب المثل های پر کاربرد در زبان های فارسی و اسپانیایی،  
تهران: پژوهش های زبان شناسختی در زبان های خارجی، دوره  
۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، از صفحه ۵۶۵ تا ۵۸۴